

## بعد از صنعت نساجی، نوبت صنعت نفت است!

### پیرامون سیاست خصوصی سازی و تعدیل نیروی انسانی در صنایع ایران!

#### داریوش ارجمندی

اخیراً صندوق بین المللی با انتشار گزارش سالیانه خود، اقدامات دولت جمهوری اسلامی در زمینه اقتصادی، بطور مشخص خصوصی سازی های گسترده در صنایع کشور را مورد تجلیل قرار داده است. گزارش مذکور اما، در میان جنجال های خبری مربوط به جنگ افغانستان و دعوای دو جناح بر سر قانون اساسی، توجه چندانی برنیا نگیخت و تنها بخش هایی از آن در نشریات ایران انتشار یافت. نگاه مختصری به این گزارش، روشنگر این حقیقت است که سیاست های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی و یا به تعبیر مقامات رژیم اسلامی، برنامه سوم توسعه، کاملاً بر برنامه های ارائه شده از سوی ارگان های سیاست گذار سرمایه داری جهانی، همچون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول منطبق بوده و از آن تبعیت می کند. از جمله در گزارش مذکور، صندوق بین المللی پول ضمن تجلیل از افزایش صادرات نفت و گشایش بازار داخلی در برابر کالای خارجی، به مقامات جمهوری اسلامی توصیه کرده که سیاست خصوصی سازی، حذف کامل سوبسید و یارانه های دولتی، و بالاخره، مسئله تعدیل نیروی انسانی و یا به عبارت صحیح تر، اخراج های دسته جمعی کارگران را با شدت بیشتری دنبال کنند.

اما همچنان که پیش تر گفته شد، جمهوری اسلامی، تاکنون نیز، با وسواس بسیار، به پیشبرد این سیاست های خانمان برانداز و ضدکارگری، مشغول بوده است. بعنوان نمونه، ماه پیش، مجلس شورای اسلامی، طرحی بنام «حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی» را مورد تصویب قرار داد، که به اعتقاد ناظران اقتصادی، می توان از آن بعنوان آخرین میخی که بر تابوت صنعت نساجی کشور کوبیده شد، نام برد. با اجرای این مصوبه، هزاران کارگر نساجی، مشاغل خود را از دست خواهند داد. نمونه دیگری از سیاست های رژیم اسلامی سرمایه که به ورشکستگی صنایع نساجی و اخراج و خانه خرابی دهها هزار کارگر شاغل در کارخانه های نساجی کشور انجامید را، می توان در آمار مربوط به تولید و واردات کالاهای نساجی یافت. جمهوری اسلامی در شرایطی که کشور با کمبود شدید کالاهای نساجی روبروست، نه تنها به تقویت صنایع نساجی و بالابردن تولید در این زمینه نپرداخته است، بلکه بالعکس، ضمن تعطیلی کارخانه های نساجی، واردات پارچه را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. بطور مثال، به گفته دبیر انجمن صنایع نساجی، تولیدات داخلی در صنعت نساجی، در بخش پارچه های نخی، در حدود ۵۰۰ میلیون متر است، در حالی که نیاز داخلی، بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون متر است. همچنین سالانه، ۱۵ تا ۱۶ میلیون متر پارچه های فاستونی در ایران تولید می شود، در حالی که نیاز داخلی، در حدود ۵۰ میلیون متر است. تنها در سال گذشته از جمله، از میان ۱۵۴۵ قلم کالای وارداتی، ۳۵۰ قلم آن به محصولات نساجی مربوط می شده است.

اما، سیاست خصوصی سازی و اخراج کارگران، به صنعت نساجی محدود نمی شود، بلکه دولت اسلامی درصدد است که این سیاست را به سایر صنایع کشور نیز بسط دهد. از جمله، به گفته اسحاق جهانگیری، وزیر صنایع و معادن، قرار است در برنامه سوم توسعه، شرکت دخانیات نیز به بخش خصوصی واگذار شود. در همین رابطه، رحمانی مدیرعامل جدید شرکت دخانیات، با افتخار اعلام می کند که مهمترین برنامه وی، واگذاری شرکت دخانیات به بخش خصوصی می باشد. برنامه ای که بیش از ۱۲ هزار تن از کارگران این شرکت را، در معرض خطر حتمی اخراج قرار می دهد. و البته، به گفته وزیر صنایع و معادن، دولت، هیچ برنامه ای برای کمک و اشتغال دوباره کارگران اخراجی شرکت دخانیات ندارد. به عبارت دیگر، بزودی، ۱۲ هزار کارگر شرکت دخانیات نیز همچون هزاران تن از هم طبقه ای های خود در صنعت نساجی، به صف بیکاران می پیوندند، بی آنکه کوچکترین امیدی به تأمین شغلی خود در آینده داشته باشند.

و اما شاید، بتوان بزرگترین شاهکار جمهوری اسلامی در زمینه پیشبرد سیاست‌های دیکته‌شده از سوی صندوق بین‌المللی پول را، برنامه‌های این رژیم برای بسط خصوصی‌سازی‌ها به صنعت نفت، نامید. روندی که از هم‌اکنون، و با واگذاری بخش‌هایی از صنایع نفت و گاز ملی ایران، از جمله جایگاه‌های توزیع بنزین و فرآورده‌های نفتی به بخش خصوصی، آغاز شده است. برای پیشبرد هرچه موفق‌تر این سیاست، هیئت وزیران دولت خاتمی، اخیراً در نشست، رأی به تأسیس شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی داد. این شرکت، همچنان که از نام آن پیداست، قرار است وظیفه پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی را، مستقل از شرکت نفت، برعهده گیرد. به گفته معاون مدیرعامل این شرکت، به زودی برنامه خصوصی‌سازی کامل در این بخش از صنعت نفت، به اجرا درخواهد آمد و در همین رابطه، تعدادی از شرکت‌های اروپایی و ژاپنی نیز، برای خرید جایگاه‌های سوخت‌گیری در فرودگاه‌های ایران، اظهار آمادگی کرده‌اند.

سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی، هدف از اجرای سیاست خصوصی‌سازی در صنعت نفت را، پائین آوردن هزینه‌های دولتی اعلام کرده، و از جمله اشاره می‌کنند که بعنوان نمونه، واگذاری بخش حمل و نقل شرکت پخش فرآورده‌های نفتی به بخش خصوصی، باعث کاهش هزینه‌های مربوط به پرسنل این بخش، تا میزان یک پنجم، شده است. ترجمه این اظهارات، این است که در پی خصوصی‌سازی بخش حمل و نقل شرکت پخش فرآورده‌های نفتی، یک پنجم کارگران این بخش اخراج شده‌اند. در واقع، اخراج‌های وسیع، دقیقاً همان چیزی است که آینده شغلی بسیاری از کارگران صنعتی ایران را، تهدید می‌کند. هرچند، باید اذعان داشت که از یک رژیم سرمایه‌داری، انتظار دیگری نیز نمی‌توان داشت. درحقیقت، جمهوری اسلامی، دولت و مجلس، ارگان‌ها و افراد سیاست‌گذار آن، به مثابه خادمان نظام سرمایه‌داری، وظیفه و هدفی جز اجرای سیاست‌های دیکته‌شده از سوی ارگان‌های کلان سرمایه‌داری جهانی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی، ندارند. در این میان، این میلیون‌ها کارگر و زحمتکش ایران هستند که باید تاوان این سیاست‌های ضدانسانی را داده، بار مشقات ناشی از آن را بردوش کشند. و صد البته، چنین نیست که کارگران ایران، مجبور به تحمل این شرایط باشند. این شرایط قابل تغییر است، به این دلیل ساده که، کارگران و توده‌های زحمتکش ایران، توان سرنگون ساختن رژیم جمهوری اسلامی سرمایه و تعیین سرنوشت خویش را دارا می‌باشند.